دوفصلنامه علمی ـ تخصصی خانواده در آیینه فقه
سال پنجم/ شماره ۵/ بهار و تابستان ۱۳۹۹

Two quaterly scientific- specified
Family in the mirror of jurisprudence
Years, 5 No.5, Spring and Summer 2020

بررسی مشروعیت عبادات کودکان نابالغ از منظر فقه اهل بیت (ع)

□ محمدآصف افتخاری *

چکیده

در فقه اسلامی هیچ‌گونه تکلیف الزام‌آوری متوجه کودکان نابالغ نیست. اما درزمینه توجه تکالیف غیر الزامیه مانند استحباب و... نسبت به آنان، به‌طورکلی سه دیدگاه مطرح است؛ یکی مشروعیت عبادات صبی و کودکان نابالغ؛ که بر این اساس، واجبات در حق آنان، همانند مستحبات نزد مکلفین می‌باشد. قائلین به این دیدگاه به ادلّه‌ای از آیات قرآن، روایات و حکم عقل استناد کرده‌اند و درعین‌حال که اشکالاتی بر این نظریه واردشده است؛ این دیدگاه بهترین دیدگاه‌ها در این مسئله می‌باشد. دیگری عدم مشروعیت است که بر اساس این دیدگاه، برنامه‌های کودکان نابالغ، ولو در قالب عبادات (مانند نماز، روزه، حج و...) انجام بگیرد؛ تفاوتی با حرکات بهائم ندارد و عبادات برای آنان، حتی در قالب تمرین هم تشریع نشده است؛ هرچند قائلین به این دیدگاه به براهینی از روایات و ادله عرفیه، استناد کرده‌اند؛ ولی این قائلین، ادله استواری برای اثبات مدعای شان ندارند؛ لذا این دیدگاه، تحکّمی بیش نمی‌باشد. تمرینی بودن عبادات صبیّ، دیدگاه عده دیگر از علماء است که بر این اساس، عبادات کودکان، صرفاً جنبه تمرینی داشته و به همین منظور تشریع شده است، و در قِبال انجام اعمال عبادی‌شان، استحقاق هیچ‌گونه اجر و پاداش را ندارند و درواقع تمامی مصالح و فواید موجود در عبادات، به همین تمرین آنان خلاصه می‌شود. این گروه هم به ادله‌ای از روایات و اصول استناد نموده‌اند که این دیدگاه هم از جهات مختلف دچار اشکال می‌باشد. پس تمرینی بودن عبادات صبی همانند عدم مشروعیت آن نمی‌تواند در مقابل تشریعی بودن آن مقاومت کند. درنتیجه بهترین دیدگاه‌ها تشریعی بودن عبادات صبی می‌باشد.

نکات کلیدی: عبادت، کودک، بلوغ.

---

* دانشجوی دکتری رشته فقه و حقوق قضایی مجتمع عالی فقه، جامعة المصطفی ﷺ العالمیة.

مقدمه

ازجمله امور مسلم در فقه اسلامی، عدم توجه تکالیف الزام‌آور، نسبت به کودکانی است که هنوز به حد بلوغ شرعی (که دارای علائم و خصوصیاتی می‌باشد) نرسیده‌اند. انما الکلام در توجه اوامر و نواهی است که متضمن تکالیف غیر الزامیه می‌باشد و از آن با عنوان «مشروعیت عبادات صبی» یاد می شود که در صورت مشروعیت، عبادات آنان امتثال اوامر شارع و اجتنابشان از مکروهات، پرهیز از نواهی او به‌حساب می‌آید و درنتیجه در قبال امتثال فرمان مولی، استحقاق اجر و پاداش را دارند و در برابر معاصی که مرتکب می‌شوند، سزاوار مؤاخذه می‌باشند. یا اینکه عبادات آنان جنبه تمرینی داشته و به همین منظور تشریع شده است و در صورت عدم مشروعیت، کودکان همانند بهائم بوده و انجام عبادات با قصد عبادت، تشریع محرّم محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر در صدد است تا همین مسئله شرعی و مبتلابه را به‌صورت خلاصه و فشرده، به بحث و بررسی بگیرد. ان شاء الله.

توضیح برخی نکات مهم و اساسی

قبل از پردازش به بخش اصلی تحقیق و تبیین و بررسی آرای علماء؛ چند واژه کلیدی که با موضوع و محتوای تحقیق مرتبط بوده و برای تفهیم و توضیح آن، ما را کمک می‌کند را به‌صورت مختصر بررسی می‌شود.

الف) عبادت

عبادت که از حروف(ع.ب.د) تشکیل شده است؛ در لغت به معانی «تذلّل با تقدیس و اطاعت» (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱، ج۴، ص۲۷۹) و به تعبیر مجمع البحرین: «العبادة هی غایة الخضوع و التذلل» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵، ج۳، ص ۹) می باشد.

اما در اصطلاح علماء به‌طور خلاصه عبارت است از: «هر چیزی که در آن نیت (و قصد) قربت شرط است مانند نماز، روزه، زکات، حج.» و نیز در تعریف آن گفته‌شده است: « و حقیقة

العبادة هي الطاعة، أي الذلّ له، و القبول منه، و الاستسلام و التسليم لأمره بجميع أنحاء وجوداته.» (قطيفی، رسائل آل طوق القطيفي، ۱۴۲۲ هـ ق، ج۲، ص۴۲۵)

ب) صبِیّ

صبیّ در لغت به معانی: صِغَر (ابن منظور ، لسان العرب، ۱۴۱۴ق، ج۱۴، ص۴۵۰) و نیز به‌نوعی از باد که سمت قبله بوزد، و به کسی که به حد احتلام نرسیده باشد؛ اطلاق می‌شود (راغب، المفردات في غريب القرآن،بیروت ۱۴۱۲ ق، ص۴۷۵)

و در اصطلاح، هرچند برای واژه صبی، محدوده سِنّی خاصی هم ذکر شده است؛ ولیکن «اصطلاحاً به فرد غیر بالغ گفته می‌شود» (حسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، ۱۳۸۲، ص۲۸۸) و برخی از علماء در تعریف آن می‌نویسد: «الصبيّ يطلق على مرحلة من السنين فيها ضعف و انخفاض طبيعيّ و تمايل‌الى غير ما يليق و يناسب له من اللغو و اللهو و اللعب، و هو متمايل عن فطرته الأصليّة الانسانيّة، و منخفض في الانحطاط و الانحراف»(مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۴۰۲ ق، ج۶، ص۱۹۰)

ج) مراهق

مراهق که از ماده (ر.ه.ق) در لغت به معانی نزدیک شدن به چیزی و... آمده است مجمع البحرین می نویسد: «راهق الغلام مراهقة فهو مراهق: إذا قارب الاحتلام و لم يحتلم» (طریحی، مجمع البحرين، ج۵، ص ۱۷۴) و نیز به معنای پوشاندن از روی قهر «رَهِقَهُ الأمر: غشيه بقهر» (المفردات في غريب القرآن، ج۱، ص ۳۶۷) و معانی از این قبیل.

اما در اصطلاح؛ مراهق به نوجوان و در واقع به «مرحله از عمر انسان که در آن نزدیک بلوغ است»(فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص۴۶۲) اطلاق می گردد. شهید ثانی در تعریف آن آورده است: « و هو المقارب للبلوغ بحيث يمكن بلوغه بغيرالسنّ و هو ابن عشر سنين فصاعدا» (عاملی (شهید ثانی)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، ۱۴۱۳ ق، ج۹، ص۱۶۴) برخی دیگر هم در بیان آن نوشته است: «و أمّا الغلام المراهق: فكأنّه في مراحل يغشى أعماله و

أفكاره السابقة بما يكرهه بطبيعته غير العاقلة، و لم يدرك الحلم حتّى يتمايل الى ما هو صلاحه» (مصطوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج۴، ص ۲۴۶)

اما اقوال علماء و بررسی آن

در اینکه برنامه های عبادی کودکان قبل از اینکه به سن بلوغ برسند؛ به عنوان عبادت، برای آنها تشریع شده است؟ یا اینکه جنبه تمرینی دارد؟ و یا اینکه اساس حکمی برای آنان تشریع نشده است؟ در این باب بطور کلی سه دیدگاه مطرح شده است.

۱ـ مشروعیت عبادات صبی

الف) بیان مسأله

همانطوریکه بالاتر هم اشاره شد، عده ای از علماء، قائل به مشروعیت عبادات کودکان قبل از بلوغ شده اند؛ از دیدگاه آنان مراد از مشروعیت؛ تشریع واجبات و محرمات در حق آنان نیست؛ بلکه مقصود این است که واجبات در حق آنان همانند مستحبات نزد مکلفین می باشد و محرمات در مورد آنها مثل مکروهات نزد بزرگان به حساب می آید. به عبارت دیگر؛ مراد از تشریع تکالیف در حق آنان این است که: « التكاليف منحصرة فی حقهم فی ثلاث: المستحب والمكروه و المباح» (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۳۸۲، ج۴، ص۱۱۰) به این معنا که احکام تکلیفیه صبیان، سه تا بیشتر نیست (مستحب، مکروه و مباح) چون واجبات نزد آنها مستحب و محرمات برای شان مکروه محسوب می گردد. خلاصه اینکه مشروعیت تکالیف در حق کودکان، هیچگونه الزامی را در مورد آنها به دنبال نمی آورد.

ب) اقوال علماء

این دیدگاه که دیدگاه مشهور علماء می باشد؛ قائلین زیادی دارد؛ به عنوان نمونه: مراغی در العناوین، فاضل دربندی در خزائن الاحکام، فاضل لنکرانی در القواعد الفقهیة، موسوی بجنوردی القواعد الفقهیة، نراقی در عوائد الایام، یزدی در عروه، عراقی در شرح عروه، همدانی در

مصباح الفقیه و... تمامی اینها قائل به مشروعیت عبادات صبی شده اند. که به عنوان نمونه چند مورد از اقوال پرداخته می شود.

میرزای قمی در این باب می نویسد: «آن چه را حقیر در این مسأله تحقیق کرده‌ام بعد از اشکالات بسیار، از هر جهت از جهات، این است که عبادات صبی ممیّز، شرعیه است و امر از برای او سنت است و قصد استحباب می‌کند» (میرزای قمّی، جامع الشتات في أجوبة السؤالات، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص ۱۰۱) ایشان در جای دیگر فتوا می دهد که « و عبادات الصبي المميّز شرعية على الأقوى، لأنّ الأمر بالأمر أمر عُرفاً» (میرزای قمّی، غنائم الأيّام في مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۱۷ هـ ق ج۱، ص۵۳) شیخ انصاری هم در کتاب گرانسنگ مکاسب به مناسبتی می نویسد: «بنينا كالمشهور على شرعيّة عبادات الصبيّ» (انصاری(شیخ انصاری)، کتاب المکاسب، ۱۴۱۵ ق، ج۳، ص ۲۷۸) یعنی بنای ما هم مانند مشهور علماء، مشرعیت عبادات صبی می باشد.

در مدارک الاحکام هم آمده است: «أن الأظهر أن عبادات الصبي شرعية يستحق عليها الثواب، لأنها مرادة للشارع و إن لم يكن مكلفا بالواجب و الحرام لرفع القلم عنه» (عاملی، مدارك الأحكام ، ۱۴۱۱ ق، ج۷، ص۱۱۲) یعنی اظهر مشروعیت عبادات صبی است و به دلیل اینکه عبادات آنان مورد هدف و اراده شارع مقدس قرار گرفته است؛ لذا بر انجام آن مستحق پاداش می باشد؛ هرچند به دلیل رفع قلم تکلیف از صبیان، آنان مکلف به واجب و حرام نمی باشند.

ج) ادله قائلین به مشروعیت

قائلین به مشروعیت برای اثبات مدعای شان به ادله متعددی از آیات و روایات و نیز دلیل عقل استناد نمودند؛ که به نمونه های از آن اشاره می شود.

۱ـ آیات قرآن

ـ یکی از این آیات، آیه شریفه «اقیموالصلاة» (بقره/۴۳) می باشد که ظاهر و اطلاق این آیه شریفه، غیر بالغین را نیز همانند بالغین شامل می شود.

ـ و نیز به آیه مبارکه «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» (بقره/۱۸۵) استناد شده است؛ که در

این آیه هم به صورت کلی آمده است: هرکس رمضان را درک کرد باید روزه بگیرد. که با توجه به رفع وجوب از غیر بالغین دلیلی نداریم که استحباب را هم از آنان سلب کنیم.

۲ـ روایات

هم چنین در منابع اسلامی روایات متعددی آمده است که دلالت دارند بر ترتب ثواب بر عبادات انسان؛ که این هم که شامل بالغین و غیر بالغین می شود. مانند این روایت که امام صادق«ع» فرمودند: «مَنْ صَامَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْماً فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَأَصَابَهُ ظَمَأٌ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسَحُونَ وَجْهَهُ وَ يُبَشِّرُونَهُ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَ رَوْحَكَ مَلَائِكَتِي اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ» (کلینی، الکافي، ۱۳۶۵ ه، ج۴، ص ۶۴) که در کیفیت استدلال بر این روایت گفته شده است: «و لاشک فی ان ترتب الثواب علی فعل من لوازم استحباب ذالک الفعل؛ فهذه العمومات و الاطلاقات تدل بالدلالۀ الالتزامیه علی استحباب تلک الواجبات علی غیر البالغین بعد القطع بعدم وجوبها علیهم» (بجنوردی، لقواعد الفقهیه، ج۳، ص۱۱۵) یعنی بدون شک ترتب پادش بر فعل، از لوازم استحباب آن عمل می باشد؛ پس دلالت التزامی اینگونه روایات عام و مطلق، استحباب واجبات است نسبت به غیر بالغین که بطور قطع این افعال بر آنان واجب نمی باشد.

حتی در برخی از روایات توجه تکلیف نسبت به کودکان با کلمه وجوب آمده است؛ چنانچه از معصوم«ع» در باره سن صبی و اینکه چه زمانی نماز بخواند؛ پرسیده شده است؛ ایشان«ع» فرمودند: «إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ؛ قُلْتُ مَتَى يَعْقِلُ الصَّلَاةَ وَ تَجِبُ عَلَيْهِ قَالَ لِسِتِّ سِنِينَ» (عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹ ه، ج۴، ص۱۸) از آنجای که این وجوب «مَحْمُولٌ عَلَى الِاسْتِحْبَاب» (وسائل الشیعة، ج۴، ص۱۸) پس بقای مشروعیت عبادات بر کودکان نابالغ، به قوت خود باقی خواهد بود.

روایت دیگر به این سیره اهلبیت«ع» که فرزندان شان را به نماز واردار می کردند؛ پرداخته و در ادامه والدین را موظف نمودند تا فرزندان شان به خواندن نماز و... وادار نموده و به آنها دستور نماز بدهند؛ چنانچه امام صادق«ع» از پدران شان نقل کرده است که «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا

كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ» (همان) خصوصا اینکه: آنگاه جنبه مشروعیت و در نتیجه استحباب عبادات صبی ثابت می شود که به تعبیر میرزای قمی: «عبادات الصبي المميّز شرعية على الأقوى، لأنّ الأمر بالأمر أمر عُرفاً، و القرينة نافية للوجوب، فيبقى الاستحباب.» (قمی، غنائم الأيّام في مسائل الحلال و الحرام، ج۱، ص۵۳) یعنی فرمان خداوند بر والدین مبنی بر اینکه اولاد شان را به عبادات دستور بدهند، بیانگر مشروعیت عبادات صبی ممیز می باشد، و از آنجای وجوب عبادات از آنان با دلیل، رفع شده است؛ استحباب عبادات در حق آنان کما کان باقی می باشد.

۳ـ حکم عقل

دلیل دیگر که دراین زمینه مطرح شده است؛ حکم عقل می باشد و آن به این صورت مطرح می شود که: عقل انسان، نسبت به برخی از واجبات مانند رد امانت و... حکم استقلالی به حسن و استحقاق ثواب نسبت به آن دارد و در این حکم بین افراد بالغ و نابالغ خصوصا کسانی که در شرف بلوغ می باشند، تفاوتی نمی بیند. در نتیجه نمی توانیم افعال حسن آنان را نادیده گرفته و آنان را همانند بهائم بدانیم و از آنجای وجوب این افعال نسبت به آنان به دلائلی رفع شده است؛ اما نسبت به استحباب آن هیچ مانعی وجود ندارد.

د) بررسی ادله مشروعیت

برخی از منکرین مشرعیت عبادات صبی؛ با توجه به این حدیث شریف که امام علی«ع» می فرماید: «أَنَّ الْقَلَمَ رُفِعَ عَنْ ثَلَاثٍ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴،ق، ج۵، ص۳۳۰۳) یعنی همانا قلم (و تکلیف) از سه طایفه برداشته شده است؛ که عبارتند از کودک تا زمانیکه محتلم شود و دیوانه تا اینکه دیوانگی اش رفع گردد و آدم خواب تا زمانیکه بیدار شود؛ مشروعیت عبادات صبی را مردود می دانند؛ مستدلین به این روایت می گویند: هرچند عمومات فوق شامل اطفال هم می شود؛ ولی این شمول و عموم تا زمانی است که پای مخصِّصی در بین نباشد در حالیکه روایت مذکور و

امثالش عمومات را تخصیص زده و آنها را ویژه بالغین می دانند. پس برای کودکان قبل از بلوغ، هیچگونه تکلیف و وظیفه ای حتی استحبابی هم تشریع نشده است.

در پاسخ به این استدلال گفته شده است که: «الانصاف انه فی مقام الامتنان و اللطف و الرحمۀ فلایدل علی ازید من رفع الالزام» (القواعد الفقهیه، ج۳، ص۱۱۳) یعنی دلیل رفع تکلیف از کودکان و اطفال امتنان، لطف و رحمت الهی می باشد که صرفا بر رفع وجوب و الزام دلالت دارد نه بر بیشتر از آن.

به نظر می رسد این پاسخ، و اساسا این دیدگاه، پاسخ و دیدگاه مناسبی نباشد؛ به دلیل اینکه ممکن است در رد و بررسی آن گفته شود:

ـ اگر کلام از امتنان و لطف الهی به میان آید؛ می توانیم بگوییم کمال امتنان در این است که اطفال و کودکان تا قبل از مرحله بلوغ، گرفتار انجام تکالیف و لو مستحبات نگردد.

ـ و از آنجای عذاب و عقاب اخروی هم در نتیجه عدم امتثال اوامر الهی و انجام نواهی او می باشد، پس کودکان اصلا استحقاق عقاب ندارند در نتیجه لزومی ندارد که در دوران کودکی خود را به زحمت انداخته و برای خود ثوابی را تدارک ببیند و یا عذابی را از خود شان دفع نمایند.

ـ به علاوه می توان گفت یکی از فلسفه های تکلیف این است که آشکار گردد که انسان بعد از سن تکلیف چه اندوخته های را برای روزی که لاینفع مال و لابنون در نظر می گیرد و این منافات دارد با این که کودکان در دوران طفولیت با انجام مستحبات به اصلاح اخرت بپردازد و در نتیجه بعد از بلوغ فقط به واجبات بسنده نموده و از مستحبات دست بکشد به بهانه اینکه در دوران کودکی به اندازه کافی برای روز مبادایش اندخته دارد.

اما در عین حال که می تواند اشکالات مذکور بر این دیدگاه وارد باشد؛ اما این دیدگاه بهترین دیدگاه ها در این مسأله می باشد که در جمع بندی نهایی به وجوه برتری آن پرداخته خواهد شد.

۲ـ عدم مشرعیت عبادات صبی

الف) بیان دیدگاه

برخی دیدگاه ها بر اینست که اساسا برنامه های کودکان نابالغ، ولو در قالب عبادات (مانند

نماز، روزه، حج و...) انجام بگیرد؛ هیچ تفاوتی با حرکات بهائم و چهارپایان ندارد «ای حاله حال البهائم» (القواعد الفقهیه، ج۴، ص۱۱۷) و بر اساس این دیدگاه، عبادات برای آنان، حتی در قالب تمرین و آمادگی برای دوران بلوغ شان هم تشریع نشده است.

ب) ادله و مدارک

برای اثبات مدعای مذکور هم به ادله متعددی تمسک شده است

۱ـ احادیث

از جمله احادیثی که به ان استناد شده است؛ حدیث شریفی است که امام علی«ع» می فرماید: «أَنَّ الْقَلَمَ رُفِعَ عَنْ ثَلَاثٍ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ» (بحار الانوار، ج۵، ص۳۳۰۳) یعنی همانا قلم (و تکلیف) از سه طایفه برداشته شده است؛ که عبارتند از: کودک تا زمانیکه محتلم شود و دیوانه تا اینکه دیوانگی اش رفع گردد و آدم خواب تا زمانیکه بیدار شود.

بر اساس این حدیث و امثال آن که در این زمینه وارد شده است و با توجه به اینکه رفع قلم تکلیف، عام بوده و شامل تمامی احکام پنجگانه می گردد؛ نه تنها واجبات بلکه مستحبات و مباحات و بالاخره هرآنچه که تحت عنوان تکلیف داخل باشد؛ از اطفال مرفوع می باشد.

۲ـ دیدگاه عرف

دلیل و مؤید دیگری که به نفع قائلین به عدم مشروعیت ارائه شده است، دیدگاه عرف جامعه می باشد؛ به این صورت که: «تری ان العرف اذا یقولون ان فلانا مرفوع القلم، ای لا اعتبار باقواله و افعاله، ای حاله حال البهائم»(القواعد الفقهیه، ج۴، ص۱۱۷) یعنی آنگاه که عرف می گوید فلانی مرفوع القلم شده است؛ مرادشان اینست که گفتار و کردار آن شخص همانند بهائم بوده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ج) بررسی(و رَدّ) ادله عدم مشروعیت

منکرین عدم مشروعیت اعم از قائلین به تشریع یا تمرین؛ که حدیث «رفع القلم» را مثبت مدعای قایلین به عدم مشروعیت نمی دانند؛ در رد آن می گویند: هرچند دلیل عرفی بر مسأله را بپذیریم «ولکن القراین المقامیهٔ تدل علی ان المراد منها هو خصوص الاحکام الالزامیهٔ» (همان، ص۱۱۸) به این توضیح که: از آنجای که شارع مقدس در مقام رحمت و رأفت نسبت به بندگانش می باشد و نیز کودک نابالغ که قدرت تشخیص منافع موجود در انجام واجبات را از مضررات ارتکاب محرمات ندارد؛ این مقام قرینه است بر اینکه مراد از احکام مرفوع، تنها احکام الزامیه است نه احکام مستحبی و کراهتی که با انجام مستحبات به ثواب دست می یابند و با ترک مکروهات هیچ نوع عقابی متوجه آنان نمی شود.

دلیل دیگری که می توان بر رد منکرین مشروعیت ارئه داد این است که: ممکن است نسبت به کودکانی غیر ممیز، این دیدگاه تا حدودی توجیه و جایگاهی داشته باشد (که چنین نیست)؛ ولی نسبت به کودکان ممیز و آن دسته از نوجوانانی که در شُرُف بلوغ هستند؛ یادگیری برخی از عبادات و تمرین و ممارست بر انجام آن، نه تنها ضرورت ندارد؛ بلکه از باب مقدمه واجب تا سرحد وجوب می رسد؛ و از آنجای وجوب این عبادات از آنان با ادله و مدارک متقنه، رفع شده است؛ دلیلی وجود ندارد که استحباب هم در حق آنها تشریع نشده باشد.

و نیز تشریع استحباب در حق کودکان و نوجوانان خود بهترین مشوِّق است برای آنان، تا با شوق و ذوق وافر، به انجام عبادات مبادرت بورزند که این زمینه ای باشد برای آنان در انجام عبادات بعد از رسیدن به دوره بلوغ و تکلیف.

و از همه مهمتر اینکه قائلین به عدم مشروعیت، این همه روایات و تأکیداتی که در منابع اسلامی مبنی بر آموزش وضو و نماز و حتی تأدیب آن را در این زمینه وارد شده است، را چگونه توجیه می کنند؟ و چه دلیلی دارند بر لغویت عبادات آنان؟!.

در نتیجه؛ دیدگاه عدم مشروعیت ولو در قالب تمرین، دلیل استواری برای اثبات مدعای شان ندارند که عبادات در حق کودکان قبل از بلوغ، تشریع نشده باشد؛ حال یا تشریع محض یا تشریع در قالب تمرین؛ لذا به نظر می رسد این دیدگاه، تحکّمی بیش نباشد.

۳ـ تمرینی بودن عبادات صبیّ

الف) بیان مسأله

عده دیگر از علماء و بزرگان هم بر این هستند که عبادات کودکان قبل از آنکه به سن بلوغ و تکلیف برسند؛ صرفا جنبه تمرینی داشته و به همین منظور تشریع شده است، و در قِبال انجام اعمال عبادی شان، استحقاق هیچگونه اجر و پاداش را ندارند؛ همانگونه که در برابر ارتکاب محرمات هم عقابی متوجه آنان نمی باشد.

به عبارت دیگر تمامی مصالح و فوائد موجود در عبادات، به همین تمرین آنان خلاصه می شود؛ بدون اینکه از مصالح اصل عبادات (مانند نهی از فحشا، قُرب به درگاه الهی و... که در نماز نهفته است) چیزی عائد آنان گردد.

بیان سوم در این باب اینکه: «أن إتيان الصبي لهذه الأفعال و تركه لهذه التروك مطلوب للشارع لا لأنفسها،بل لحصول التعود و التمرن على العمل بعد البلوغ. فصلاة الصبي فيها جهتان: جهة كونها صلاة، و هذه الجهة ملغاة في الصبي، لا فرق بين كونها صلاة أو قياما أو نوما أو نحو ذلك في عدم رجحان أصلي فيها بالنسبة إليه و عدم وجود أجر في ذلك من جهة الصلاتية. و جهة كونها تعودا على شيء يكون مطلوبا بعد البلوغ و إن كان لا غيا الان في حد ذاته، و هذه الجهة مطلوبة للشارع يثاب عليها. و بعبارة اخرى: التمرن مستحب دون الصلاة و الصوم.» (مراغی، العناوين الفقهية، ۱۴۱۷ هـق، ج۲، ص۶۶۵)

اگر گفته شود که: اگر مراد این باشد که در این گونه عبادات هیچ گونه اجر وپاداشی نهفته نیست؛ آیا این مسأله به نحوی به لغویت این نوع عبادات بر نمی گردد؟ در حالیکه چنین چیزی از شارع مقدس محال می باشد! پاسخ این است اولا" صرف تمرینی بودن، آن را از لغویت بیرون می آورد. و ثانیا" این گونه عبادات بدون اجر و پاداش هم نیست بلکه «كان لوليه ثواب التمرين لذلك.» (العناوين الفقهية، ج۲، ص ۶۶۴) یعنی والدین که دستور عبادت را به فرزندانش می دهند و در این راه ممکن است زحماتی را متحمل گردند و احیانا هزینه های را متقبل شوند؛ از انحام عبادات تمرینی فرزندان نابالغ شان به اجر و ثواب می رسند.

این مسأله در روایات هم آمده است؛ که بر اساس روایتی، لازم است فرزندان بعد از هفت سالگی فقط به وضو و نماز وادار شوند، و بعد از نه سالگی وضو و نماز به آنان جبرا آموزش داده می شود، تا اینکه «فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ لِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.» (وسائل الشيعة، ج۴، ص ۱۸) یعنی بعد از اینکه کودکان، وضو و نماز را آموختند، خداوند متعال والدین آنها را مورد آمرزش قرار می دهد. انشاء الله.

ب) اقوال علماء

در باب تمرینی بودن عبادات صبی؛ مرآت العقول می نویسد: «اشتهر بين المتأخرين خلاف من غير فصل، و هو أن عبادات الصبي المميز تمرينية يعني صورتها صورة الصلاة و الصوم مثلا و ليست بعبادة» (مجلسی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول،۱۴۰۴ ه ق ج۱۶، ص۲۴۶) یعنی اینکه: عبادات صبی صرفا تمرینی است؛ به این معنی که صرفا شکل و صورت نماز و روزه را دارد نه اینکه عبادت باشد.

برخی دیگر هم یکی از موانع نیابت صبی ممیز در انجام حج را تمرینی بودن عبادات آنان را دانسته است و گفته اند: «ان عبادات الصبي تمرينية لا شرعية ففي الحقيقة ليست عباداته عبادة لتقع عبادة عن الغير» (خویی، المعتمد في شرح المناسك، ۱۴۱۰ ق، ج۳، ص ۱۵۵) شهید ثانی هم تمرینی بودن صوم صبی را ترجیح داده و می نویسد: «و اما كون صومه شرعيا ففيه نظر، لاختصاص خطاب الشرع بالمكلفين. و الأصح أنّه تمريني لا شرعي» (عاملی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ۱۴۱۳ ه ق ج۲، ص ۱۵)

میرزای قمی با اینکه قائل به مشروعیت است؛ در عین حال گویا در این عبارت خواسته به نحوی بین مشروعیت و جنبه تمرینی بودن عبادات صبی، جمع نماید؛ ایشان بعد از بیان مشروعیت آن؛ در ادامه می نویسد که «عمدهٔ مقصود در تکلیف طفل، تمرین یعنی عادت دادن اوست تا بعد از بلوغ، امر بر او آسان باشد» (جامع الشتات في أجوبة السؤالات، ج۱، ص: ۱۰۱)

ج) ادله قائلین به تمرینی بودن

قائلین به تمرینی بودن عبادات صبی هم به ادله ای استدلال کرده اند که به عنوان نمونه تنها به دو دلیل اشاره می شود.

۱ـ اصل؛ برخی برای استدلال به این مسأله گفتند: «الأصل، فإنّ الصحّة الشرعيّة هي موافقة أمر الشارع، و الأصل عدم تعلّق الأمر بالصبيّ» (شیرازی، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ۱۴۲۹ق، ج۴، ص ۴۳۵)

۲ـ روایات؛ یکی از روایاتی که از اطلاق آن جنبه تمرینی بودن عبادات صبی استفاده می شود، حدیث ذیل است که در آن از امام صادق«ع» سوال می شود: «فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِين.» (وسائل الشيعة، ج۴، ص۱۸) یعنی در چه سنی کودک به نماز گرفته (و وادار) می شود؟ امام «ع» فرمودند: از شش تا هفت سالگی. همانطوری که این حدیث شریف می تواند دلیل برای اثبات مشروعیت باشد؛ می تواند دلیل مناسبی برای تمرینی بودن عبادات صبی نیز باشد؛ خصوصا با توجه به بکار رفتن کلمه «یؤخذ» به جای «یؤمر» که در برخی دیگر از روایات آمده است.

د) بررسی ادله

به نظر می رسد این دیدگاه هم مانند دیدگاه دوم از جهات مختلف دچار اشکال می باشد؛ و در مجموع در مردودیت و مرجوحیت این دیدگاه نسبت به دیدگاه مشرعیت؛ همین بس که:

ـ در روایات متعدد، عبادات صبی با کلمات امر، وجوب و... مطرح شده است که با مشروعیت بسیار سازگارتر است تا تمرینیت.

ـ و نیز همین جنبه تمرینی بودن، در عباداتی که با نیت تشریعی انجام می گیرد، نیز وجود دارد.

ـ گذشته از اینکه می توانیم با ترجیح مشروعیت عبادات کودکان، آنان را تشویق نموده و در ردیف بزرگان قرار بدهیم که همواره تشویق بر انجام کار، بیش از تهدید، کارایی دارد.

ـ و همچنین به لحاظ اینکه مشهور و اکثر علماء بجای تمرینی بودن (چه رسد از نامشروع

بودن آن) مشرعیت آن را پذیرفته اند (البته این به آن معنا نیست که اکثریت بیانگر حقانیت باشد)؛ خود می تواند نمایانگر نامطلوب بودن این دیدگاه باشد.

ـ پس تمرینی بودن عبادات صبی همانند عدم مشروعیت آن نمی تواند در مقابل تشریعی بودن عبادات صبی قد علم کند. در نتیجه بهترین دیدگاه ها تشریعی بودن عبادات صبی می باشد.

نتیجه

بعد از بررسی نظرات و ادله هرکدام از قایلین به مشروعیت، تمرینیت و عدم مشروعیت عبادات صبی؛ به نظر می رسد که بهترین، متقن ترین و مستدل ترین این سه دیدگاه، دیدگاه مشرعیت می باشد که بر اساس آن عبادات کودکان قبل از بلوغ بیانگر تشریع عبادات در مورد آنان بوده و کودکان با انجام اعمال عبادی با قصد قربت، مستحق پاداش می گردند، و البته این به معنای تشریع واجبات و محرمات در حق آنان نیست؛ بلکه احکام تکلیفیه صبیان، سه تا بیشتر نیست (مستحب، مکروه و مباح) چون واجبات نزد آنها مستحب و محرمات برای شان مکروه محسوب می گردد.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن منظور محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دار صادر، بیروت ۱۴۱۴ق، ج۳.

اصفهانی(مجلسی دوم) محمد باقر، **مرآة العقول**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ هـ ق.

انصاری(شیخ انصاری)، مرتضی، **المکاسب**، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، قم، ۱۴۱۵ ق

بجنوردی سید محمدحسن، **القواعد الفقهیه**، دلیل ما، قم، ۱۳۸۲.

بروجردی آقا حسین طباطبایی، **نهایة التقریر**، بیتا،

حسینی سید محمد، **فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی**، سروش، تهران، ۱۳۸۲.

خویی، سید ابو القاسم، **المعتمد فی شرح المناسک**، منشورات مدرسة دار العلم،قم، ۱۴۱ق

راغب حسین، **المفردات فی غریب القرآن**، (تحقیق:صفوان) دارالعلم الدار الشامیة، بیروت ۱۴۱۲ ق.

طریحی فخر الدین، **مجمع البحرین**، (تحقیق: حسینی) کتابفروشی مرتضوی، تهران ۱۳۷۵، ج۳.

عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، **مسالک الأفهام**، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۳ ق، ج۹.

عاملی شیخ حر، **وسائل الشیعة**، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ ه.

عاملی محمد، **مدارک الأحکام** ، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالک الأفهام**، مؤسسۀ المعارف الإسلامیۀ، قم، ۱۴۱۳ق.

قرشی سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، دار الکتب الإسلامیۀ، تهران ۱۳۷۱، چ ۶.

قطیفی احمد، **رسائل آل طوق القطیفی**، دار المصطفی لإحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۲ق.

کلینی محمد ابن یعقوب، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیۀ، تهران، ۱۳۶۵ه.

گیلانی میرزای قمّی، **غنائم الأیّام فی مسائل الحلال و الحرام**،دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ه ق.

گیلانی، میرزای قمّی، **جامع الشتات فی أجوبۀ السؤالات**، مؤسسه کیهان، تهران – ایران، ۱۴۱۳ق.

مجلسی، محمد تقی، **بحار الأنوار**، مؤسسۀ الوفاء، بیروت– لبنان، ۱۴۰۴ق.

مراغی سیدمیرعبد الفتاح، **العناوین الفقهیۀ**، دفتر انتشارات اسلامی، قم – ایران، ۱۴۱۷ ه ق.

مصطفوی حسن،التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتاب للترجمۀ و النشر، تهران، ۱۴۰۲ ق.